

کتاب فراسه فخرازی

امام فخر رازی (محمد بن عمر بن الحسین بن الحسن بن علی الیمی البکری الطبرستانی الرازی ملقب بفخر رازے معروف بابن خطیب) یکی از بزرگترین علماء و دانشمندان مسلمین و مایه افتخار و سرافرازی ایران و ایرانیان می باشد در سنه ۴۴۰ یا ۴۴۳ متولد در بدو صباوت مقدمات علوم را در اندک مدتی فرا گرفت و در نزد (کمال سمنانی) فقه و اصول را آموخت و نیز در خدمت (مجد جنبلی در مراغه) باخذ علم حکمت پرداخت بواسطه مهارت کاملی که در معقول و منقول پیدا کرده بود و بسبب فراست و ذکاوت ذاتی که در وجودش موجود بود توانست در مدت کمی صیت دانسانی و بزرگواری خود را بعموم بوسیله تدریس ثابت نماید بطوری که در اثر اشتهاش علماء و فقها و دانشمندان از اطراف و اکناف برای استفاده از محضرش بار بفر بسته و در پیشگاهش رحل اقامت می افکندند

امام باسلطان (شهاب الدین الغوری) و سپس با (علاء الدین خوارزمشاه) مدتی بسر برد و در نزد خوارزمشاه مکانی رفیع و قدر و مرتبه بسزاداشت چنانچه ابن خلیکان در (وفيات الاعیان) و ناج السبکی در (طبقات الشافعیه) و ابن ابی صبه در (طبقات الاطباء) مینگارند امام را افضل متأخرین میدانند و البته بحکم (الاسماء تنزل من السماء) باید همین طور باشد چه در حقیقت پیشوا و امام در علوم بوده و سایر متأخرین علماء از سرچشمه عام وی سیراب و از خربن دانش و فضل او طرفی بسته اند بطوریکه خرد امام در

جلد اول تفسیر کبیر می نگارد روزی در محضری امام اظهار میدارد که من میتوانم هزار مسئله بر بسم الله الرحمن الرحيم بنویسم حضار از شنیدن این سخن سخت متعجب گردیده و این حرف بگوش آنها خیالی سنگین می آید امام مجدداً ادعا مینماید دو هزار مسئله مینویسم این نکته نیز بر تعجب حضار انزوده باز امام گفته خود را بالا برده تا به ده هزار مسئله میرسد تمام حضار این عمل را کاری خسارک العاده خوانده و امام را عاجز از عملی کردن این ادعا میدانستند ولی امام با نهایت هزمندهی از عهده بر آمده و البته خوانندگان میتوانند بجلد اول تفسیر کبیر رجوع فرمایند

برای مزید اطلاع قارئین به ظمت مقام امام دو سطر عین عبارت ابن خالکان رامینگاریم : کان العلماء یقصدونه من البلاد وتشد الرحال من الاقطار و مناقبه اکثر من ان تعد و فضائله لا تحصى و لا تعد

و نیز قسمتی از قصیده معروفه که شاعر مشهور ابن عین در مدح امام گفته نگاشته تا خاطر خوانندگان بیش از پیش به او مقام امام معطوف گردد

مات به بدع تمادی عمرها دهرأ و کاد طلامها لاینجلی
 فعلا به الاسلام ارفع هضبة ورسا سواه فی الحضیض الاسفل
 غلط امرؤا بابی عالی قاسه هیهات قصر عن مداه ابو عالی
 لوان رسطایس یسمع لهضبة من لفظه لمرته هزة افکل
 و لحر بطلیموس لولا قادهن برهانه فی کل شکل مشکل
 و لو انهم جمعو لدیه تیقنوا ان الفضلة لم تسکن الاول

مصنفات امام چنانچه در کتاب (عقود الجواهر فی تراجم من لهم خمسون تصنیفاً فاكثر) مذکور است بالغ بر ۱۱۲ کتاب می باشد ولی دست حوادث مشرق از یاد گذارد و آثار او را در تبارک و ظلمت مخفی نموده

خوشبختانه بطوری که یکی از مجلات عربی مینگارد بتازگی کتابی خطی بعنوان (الفراسه) که مشتمل بر ۳ مقاله و ۱۷ فصل و دارای ۵۸ صفحه که هر صفحه ۱۷ سطر می باشد در نزد جناب حاج محمد جمال بیروتی یافت شده اول کتاب مذکور باین جملات شروع شده : الحمد لمن يستحقه الحمد لهو یته و يستوجب الشکر لالوهیته و الصلوة علی محمد مخصوص برسالتہ امامہد فہدہ رسالہ مشملہ علی معاقد قلبہ من علم الفراسہ و نسأل اللہ حسن التوفیق سپس در مقاله اول وارد موضوع شده که ما قسمتی از آنرا برای استفادہ خوانندہ گان ترجمہ کردہ و مینگاریم : فراسہ علمی است کہ بوسیله او میتواند انسان از احوالات و ہیئت ظاہرہ از قبیل رنگ ها اشکال اعضاء قیافہ و خلاصہ از ترکیب صورت و شکل استخوان بندے و قد و قامت استدلال کند بر روحیات و حقایق و فطرت اشخاص و این بدو قسم منقسم میشود کہ یکی در اثر تجربہ کسب میشود و دیگری کہ میتوان (فراسہ شرعیہ) نامید بنور یقین و تزکیہ نفس و تجرد از اخلاق رزیلہ و ادامہ اعمال حسنہ حاصل میشود در این صورت انسان نگاہ میکند بنور خدا چنانچہ در حدیث نبوی (اتقون فراسۃ المؤمن فانہ ینظر بنور اللہ)

خلاصہ گویا کتاب مذکور خلاصہ کتاب ارسطاطالیس یا قسمتی از خود امام باشد در هر صورت امیدواریم کہ تا حال بطبع رسیدہ و در دسترس عموم گذارده شدہ باشد معلم مدرسہ سعادت محمود هستی